

عیسی شفا می‌کند مفلوج را

¹ و بعد از چندی، باز وارد کفرناحوم شده، چون شهرت یافت خبر رسید که در خانه است،² بی‌درنگ جمعی ازدحام نمودند بقسمی که بیرون در نیز گنجایش نداشت و برای ایشان کلام را بیان می‌کرد.³ که ناگاه چند نفر نزد وی آمده مفلوجی را چهار نفر رویدست‌برداشته، آوردند.⁴ و چون به سبب جمعیت نتوانستند نزد او برسند، طاق جایی را که او بود باز کرده و شکافته، تختی را که مفلوج بر آن خوابیده بود، به زیر هشتند.⁵ عیسی چون ایمان ایشان را دید، مفلوج را گفت: ای فرزند، گناهان تو آمرزیده شد.⁶ لیکن بعضی از کاتبان که در آنجا نشسته بودند، در دل خود تفکر نمودند: که چرا این شخص چنین کفر می‌گوید؟ غیر از خدای واحد، کیست که بتواند گناهان را بپامزد؟⁸ در ساعت عیسی در روح خود ادراک نموده که با خود چنین فکر می‌کنند، بدیشان گفت: از بهر چه این خیالات را به خاطر خود راه می‌دهید؟⁹ کدام سهلتر است؟ مفلوج را گفتن گناهان تو آمرزیده شد؟ یا گفتن برخیز و بستر خود را برداشته بخرام؟¹⁰ لیکن تا بدانید که پسر انسان را استطاعت آمرزیدن گناهان بر روی زمین هست، مفلوج را گفت:¹¹ تو را می‌گویم، برخیز و بستر خود را برداشته، به خانه خود برو!¹² او برخاست و بی تأمل بستر خود را برداشته، پیش روی همه روانه شد بطوری که همه حیران شده، خدا را تمجید نموده، گفتند: مثل این امر هرگز ندیده بودیم.

دعوت از لای

¹³ و باز به کناره دریا رفت و تمام آن گروه نزد او آمدند و ایشان را تعلیم می‌داد.¹⁴ و هنگامی که می‌رفت لای ابن حلفی را بر باجگاه نشسته دید، بدو گفت: از عقب من بیا! پس برخاسته، در عقب وی شتافت.¹⁵ و وقتی که او در خانه وی نشسته بود، بسیاری از باجگیران و گناهکاران با عیسی و شاگردانش نشستند زیرا بسیار بودند و پیروی او می‌کردند.¹⁶ و چون کاتبان و فریسیان او را دیدند که با باجگیران و گناهکاران می‌خورد، به شاگردان او گفتند: چرا با باجگیران و گناهکاران اکل و شرب می‌نماید؟¹⁷ عیسی چون این را شنید، بدیشان گفت: تندرستان احتیاج به طبیب ندارند بلکه مریضان. و من نیامدم تا عادلان را، بلکه تا گناهکاران را به توبه دعوت کنم.

یسوع یشفی المفلوج

¹ ثُمَّ دَخَلَ كَفَرْنَاهُومَ أَيْضًا بَعْدَ أَيَّامٍ فَسَمِعَ أَنَّهُ فِي بَيْتٍ،² وَلِلْوَقْتِ اجْتَمَعَ كَثِيرُونَ حَتَّى لَمْ يَكُنْ يَسْمَعُ وَلَا مَا حَوْلَ الْبَابِ، فَكَانَ يُخَاطِبُهُمْ بِالْكَلِمَةِ.³ وَجَاءُوا إِلَيْهِ مُقَدِّمِينَ مَفْلُوجًا يَحْمِلُهُ أَرْبَعَةٌ.⁴ وَإِذْ لَمْ يَقْدِرُوا أَنْ يَقْتَرِبُوا إِلَيْهِ مِنْ أَجْلِ الْجَمْعِ كَسَفُّوا السَّقْفَ حَيْثُ كَانَ وَبَعْدَ مَا تَقَبَّوهُ ذَلُّوا السَّرِيرَ الَّذِي كَانَ الْمَفْلُوجُ مُصْطَجِعًا عَلَيْهِ.⁵ فَلَمَّا رَأَى يَسُوعُ إِيْمَانَهُمْ قَالَ لِلْمَفْلُوجِ: يَا بُنَيَّ، مَغْفُورَةٌ لَكَ خَطَايَاكَ.⁶ وَكَانَ قَوْمٌ مِنَ الْكَتَبَةِ هُنَاكَ جَالِسِينَ يُفَكِّرُونَ فِي قُلُوبِهِمْ: لِمَاذَا يَتَكَلَّمُ هَذَا هَكَذَا يَتَجَادِفَ؟ مَنْ يَقْدِرُ أَنْ يَغْفِرَ خَطَايَا إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ؟⁸ فَلِلْوَقْتِ شَعَرَ يَسُوعُ بِرُوحِهِ أَنَّهُمْ يُفَكِّرُونَ هَكَذَا فِي أَنْفُسِهِمْ فَقَالَ لَهُمْ: لِمَاذَا تُفَكِّرُونَ بِهَذَا فِي قُلُوبِكُمْ؟⁹ أَيْمًا أُنَسِّرُ أَنْ يُقَالَ لِلْمَفْلُوجِ: مَغْفُورَةٌ لَكَ خَطَايَاكَ، أَمْ أَنْ يُقَالَ: قُمْ وَاحْمِلْ سَرِيرَكَ وَامْشِ؟¹⁰ وَلَكِنْ لِكَيْ تَعْلَمُوا أَنَّ لِبْنِ الْإِنْسَانِ سُلْطَانًا عَلَى الْأَرْضِ أَنْ يَغْفِرَ الْخَطَايَا، قَالَ لِلْمَفْلُوجِ:¹¹ لَكَ أَقُولُ، قُمْ وَاحْمِلْ سَرِيرَكَ وَاهْبِثْ إِلَى بَيْتِكَ.¹² فَقَامَ لِلْوَقْتِ وَحَمَلَ السَّرِيرَ وَخَرَجَ قُدَّامَ الْكُلِّ، حَتَّى بُهِتَ الْجَمِيعُ وَمَجَّدُوا اللَّهَ قَائِلِينَ: مَا رَأَيْنَا مِثْلَ هَذَا قَطُّ.

یسوع یدعو لای لیتمعه

¹³ ثُمَّ خَرَجَ أَيْضًا إِلَى الْبَحْرِ، وَأَتَى إِلَيْهِ كُلُّ الْجَمْعِ فَعَلَّمَهُمْ.¹⁴ وَفِيمَا هُوَ مُجْتَازٌ رَأَى لَائِي بَنَ خَلْقَى جَالِسًا عِنْدَ مَكَانِ الْجَنَابَةِ، فَقَالَ لَهُ: اتَّبِعْنِي، فَقَامَ وَتَبِعَهُ.¹⁵ وَفِيمَا هُوَ مُتَكِبٌ فِي بَيْتِهِ كَانَ كَثِيرُونَ مِنَ الْعَشَارِينَ وَالْخُطَاةِ يَتَكَبَّرُونَ مَعَ يَسُوعَ وَتَلَامِيذِهِ لِأَنَّهُمْ كَانُوا يُكَبِّرُونَ وَيُغْوِعُونَ.¹⁶ وَأَمَّا الْكَتَبَةُ وَالْقَرَّيْسِيُّونَ فَلَمَّا رَأَوْهُ يَأْكُلُ مَعَ الْعَشَارِينَ وَالْخُطَاةِ قَالُوا لَتَلَامِيذِهِ: مَا بَالُهُ يَأْكُلُ وَيَسْرُبُ مَعَ الْعَشَارِينَ وَالْخُطَاةِ؟¹⁷ فَلَمَّا سَمِعَ يَسُوعُ قَالَ لَهُمْ: لَا يَخْتَاجُ الْأَصْحَاءُ إِلَى طَبِيبٍ بَلِ الْمَرَضَى، لَمْ آتِ لِأَدْعُو أَبْرَارًا بَلِ خُطَاةً إِلَى التَّوْبَةِ.

حوار حول الصوم

¹⁸ وَكَانَ تَلَامِيذُ يُوَحْنَا وَالْقَرَّيْسِيِّينَ يَصُومُونَ، فَجَاءُوا وَقَالُوا لَهُ: لِمَاذَا يَصُومُ تَلَامِيذُ يُوَحْنَا وَالْقَرَّيْسِيِّينَ وَأَمَّا تَلَامِيذُكَ فَلَا يَصُومُونَ؟¹⁹ فَقَالَ لَهُمْ يَسُوعُ: هَلْ يَسْتَطِيعُ بَنُو الْعُرْسِ أَنْ يَصُومُوا وَالْعَرِيسُ مَعَهُمْ؟ مَا دَامَ الْعَرِيسُ مَعَهُمْ لَا يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يَصُومُوا.²⁰ وَلَكِنْ سَتَأْتِي أَيَّامٌ جِئْنَ يُرْفَعُ الْعَرِيسُ عَنْهُمْ فَجَيِّدٌ يَصُومُونَ فِي تِلْكَ

دربارهٔ روزه

¹⁸ و شاگردان یحیی و فریسیان روزه می‌داشتند، پس آمده، بدو گفتند: چون است که شاگردان یحیی و فریسیان روزه می‌دارند و شاگردان تو روزه نمی‌دارند؟ ¹⁹ عیسی بدیشان گفت: آیا ممکن است پسران خانهٔ عروسی مادامی که داماد با ایشان است روزه بدارند؟ زمانی که داماد را با خود دارند، نمی‌توانند روزه دارند. ²⁰ لیکن ایامی می‌آید که داماد از ایشان گرفته شود. در آن ایام روزه خواهند داشت. ²¹ و هیچ کس بر جامه کهنه، پارهای از پارچه نو وصله نمی‌کند، والا آن وصله نو از آن کهنه جدا می‌گردد و دریدگی بدتر می‌شود. ²² و کسی شراب نو را در مشکهای کهنه نمی‌ریزد وگرنه آن شراب نو مشکها را پِذَرَد و شراب ریخته، مشکها تلف می‌گردد. بلکه شراب نو را در مشکهای نو باید ریخت.

دربارهٔ سبت

²³ و چنان افتاد که روز سبّتی از میان مزرعه‌ها می‌گذشت و شاگردانش هنگامی که می‌رفتند، به چیدن خوشه‌ها شروع کردند. ²⁴ فریسیان بدو گفتند: اینک، چرا در روز سبّتی مرتکب عملی می‌باشند که روا نیست؟ ²⁵ او بدیشان گفت: مگر هرگز نخوانده‌اید که داود چه کرد چون او و رفقایش محتاج و گرسنه بودند؟ ²⁶ چگونه در ایام آیاتار، رئیس کهنه، به خانهٔ خدا درآمد، نان تقدیمه را خورد که خوردن آن جز به کاهنان روا نیست و به رفقای خود نیز داد؟ ²⁷ و بدیشان گفت: سبّتی بجهت انسان مقرر شد نه انسان برای سبّتی. ²⁸ بنابراین پسر انسان مالک سبّتی نیز هست.

الْأَيَّامِ. ²¹ لَيْسَ أَحَدٌ يَخِيطُ رُقْعَةً مِنْ قِطْعَةٍ جَدِيدَةٍ عَلَى ثَوْبٍ عَتِيقٍ وَإِلَّا قَالِمِلْءُ الْجَدِيدِ يَأْخُذُ مِنَ الْعَتِيقِ فَيَصِيرُ الْخَرَقُ أَزْدًا. ²² وَلَيْسَ أَحَدٌ يَجْعَلُ حَمْرًا جَدِيدَةً فِي زِقَاقِ عَتِيقَةٍ لِّئَلَّا تَشُقَّ الْحَمْرُ الْجَدِيدَةُ الزَّقَاقَ فَالْحَمْرُ تَنْصَبُ وَالزَّقَاقُ تَتَلَفُ، بَلْ يَجْعَلُونَ حَمْرًا جَدِيدَةً فِي زِقَاقِ جَدِيدَةٍ.

حوار حول السبّتی

²³ وَاجْتَاَزَ فِي السَّبْتِ بَيْنَ الزَّرْعِ، فَابْتَدَأَ تَلَامِيذُهُ يَقْطِفُونَ السَّنَابِلَ وَهُمْ سَائِرُونَ. ²⁴ فَقَالَ لَهُ الْقَرَسِيُّونَ: انْظُرْ، لِمَاذَا يَفْعَلُونَ فِي السَّبْتِ مَا لَا يَحِلُّ؟ ²⁵ فَقَالَ لَهُمْ: أَمَا قَرَأْتُمْ قَطُّ مَا فَعَلَهُ دَاوُدُ حِينَ اخْتَجَّ وَجَاعَ هُوَ وَالَّذِينَ مَعَهُ؟ ²⁶ كَيْفَ دَخَلَ بَيْتَ اللَّهِ فِي أَيَّامِ آيَاتَارَ، رَئِيسِ الْكَهَنَةِ، وَأَكَلَ خُبْزَ التَّقْدِمَةِ الَّذِي لَا يَحِلُّ أَكْلُهُ إِلَّا لِلْكَهَنَةِ وَأَعْطَى الَّذِينَ كَانُوا مَعَهُ أَيْضًا؟ ²⁷ ثُمَّ قَالَ لَهُمْ: السَّبْتُ إِنَّمَا جُعِلَ لِأَجْلِ الْإِنْسَانِ لَا الْإِنْسَانُ لِأَجْلِ السَّبْتِ، ²⁸ إِذَا ابْنُ الْإِنْسَانِ هُوَ رَبُّ السَّبْتِ أَيْضًا.